

فصلنامه تاریخ اسلام

سال یازدهم، شماره سوم و چهارم،

پاییز و زمستان 1389، شماره مسلسل 44-43

خصایص النبی؛ رویکردها، ضرورت و بایستگی‌ها

تاریخ دریافت: 89/10/12 تاریخ تأیید: 89/11/17

سید محمد نقیب *

خداوند متعال، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم را با صفاتی برجسته، ویژگی‌ها و امتیازاتی خاص بر دیگر پیامبران و سایر مخلوقات، برتری داده است. ویژگی‌های پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به خصایص النبی معروف شده است. خصایص النبی یکی از مباحث قدیم و در عین حال کمتر کاویده شده سیره پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم است که برخی از این خصایص به سبب حساسیت و عدم شناخت دقیق آنها، دست‌مایه مغرضان و شبهه افکنان قرار گرفته است. درباره ضرورت پرداختن به این موضوع دو رویکرد در میان عالمان شیعه و اهل سنت وجود دارد؛ برخی بر این باورند که این خصایص، مخصوص پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است و با وفات آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم آنها نیز منقضی می‌شوند و نیازی به بررسی آنها نیست و برخی دیگر معتقدند که بررسی این خصایص به دلیل لزوم شناخت کامل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و دفاع از ایشان ضروری و واجب است. در این پژوهش، رویکرد عالمان متقدم و متأخر شیعه و اهل سنت به این موضوع و ویژگی‌های هر کدام بررسی می‌شود و در نهایت، ضرورت

* دانش آموخته رشته تخصصی تفسیر و علوم قرآنی حوزه علمیه قم.

پرداختن به موضوع خصایص النبی تبیین می‌گردد.

واژه‌های کلیدی: خصایص النبی، پیامبر ﷺ، سیره نبوی، تاریخ نگاری اسلامی،

سیره پژوهی.

مقدمه

معرفت و شناخت، پایه و اساس اعتقاد به هر دینی است. شناخت پیامبر اعظم ﷺ اساس و زیربنای دین عظیم اسلام است، زیرا از طریق ایشان، این دین استوار به مسلمانان رسیده است. از آن جا که شناخت کامل پیامبر ﷺ و احاطه به تمام ابعاد وجودی آن حضرت ﷺ امری ناممکن است، بنابراین هر فرد به قدر توان و امکان از باب «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا»¹ به جنبه‌ای از تاریخ حیات و سیره آن حضرت ﷺ توجه می‌کند.

یکی از موضوع‌های مطرح پیرامون پیامبر اسلام ﷺ صفات، ویژگی‌ها و امتیازهایی است که خداوند به وسیله آنها، پیامبر خاتم ﷺ را بر دیگر پیامبران و سایر مخلوقات برتری داده و او را یگانه و منفرد ساخته است. این صفات و ویژگی‌ها در منابع فقه، حدیث، تفسیر، تاریخ و سیره نویسی شیعه و اهل سنت با عنوان خصایص النبی یاد می‌شود. در میان عالمان شیعه و اهل تسنن دو دیدگاه در خصوص ضرورت پرداختن به موضوع خصایص النبی وجود دارد؛ برخی معتقدند خصایص، احکام مخصوص پیامبر ﷺ است و با وفات ایشان، آنها نیز منقضی می‌شوند و نیازی به پرداختن به آنها نیست. در مقابل گروهی دیگر بر این عقیده هستند که شناخت پیامبر ﷺ و دفاع از آن انسان کامل نه تنها امری نیکو، بلکه بر هر مسلمانی واجب است و سعادت انسان در دنیا و آخرت وابسته به شناخت و پیروی از آن حضرت است. هر انسانی که راه نجات و سعادت را می‌جوید باید سیره و روش رهبر و هادی خود را بشناسد تا بدین وسیله از گمراهی خارج شود و به

سعادت و نجات دست یابد.

با توجه به این دو دیدگاه، رویکرد عالمان و اندیشمندان شیعه و اهل سنت به خصایص النبی متفاوت است که در این پژوهش به بررسی آنها می‌پردازیم.

مفهوم خصایص و کاربرد آن

نخستین گام در شناخت مسئله خصایص، آگاهی کامل از معنا و مفهوم این واژه و واژه‌های نزدیک به آن است تا مرز و محدوده مسئله به درستی شناخته شود. در کتاب‌های لغت برای شرح و توضیح کلمه خصایص، معانی متعددی بیان شده است که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

مقصود از این کلمه یگانه و منفرد نمودن است و وقتی می‌گوییم شخصی را

به امری مختص نمود؛ یعنی او را از دیگران یگانه و منفرد ساخت.²

این کلمه به معنای فضیلت و برتری دادن است.³

منظور از این واژه یگانه ساختن بعضی شیء است به چیزی که همه در آن

شریک نیستند.⁴

با بررسی تعریف خصایص در کتاب‌های لغت نتیجه می‌گیریم که معانی اصطلاحی این کلمه عبارتند از:

الف) اختصاص یافتن فرد به چیزی و منفرد بودن به آن امر؛

ب) فضیلت و برتری؛

ج) ممتاز بودن و امتیاز یافتن فرد با شیء.

کلمه خصایص در قرآن نیامده است؛ ولی با واژه *خالصة* به آن اشاره شده است.⁵

ریشه کلمه خصایص

درباره ریشه کلمه خصایص دو دیدگاه وجود دارد؛ بر اساس دیدگاه نخست خصایص

جمع خصوصیت است و خصوصیت چیزی است که دارنده آن، به وسیله آن از دیگران جدا می‌شود و امتیاز می‌یابد.⁶ در دیدگاه دوم، خصایص جمع خصیصه است یعنی صفتی که چیزی یا فردی را از دیگران جدا می‌کند.⁷

دیدگاه دوم صحیح‌تر به نظر می‌رسد، زیرا معنای متبادر به ذهن از کلمه خصایص، صفت‌هایی است که موجب جدایی فرد از دیگران می‌شود. در هر دو تعریف نتیجه یکی است، اما در اولی به فرد بر می‌گردد و در دومی به خود خصیصه؛ یعنی آن خصیصه موجب امتیاز فرد می‌شود.

معنای اصطلاحی خصایص النبى

اصل اعتباری بودن تعریف به تنوع و تکثرپذیری آن منجر می‌شود و ملاک و ترازوی سنجش یک تعریف کارآمدی آن است. در تعریف می‌کوشیم تمامی ابعاد مسئله را بررسی کنیم، از این رو تعریف باید جامع و مانع باشد. تعریف، تصور از یک شیء است و تعبیر صحیح و یا اشتباه بودن یک تعریف، درست نیستند. تعریف باید به گونه‌ای ارائه شود که کارآمدی بیشتری نسبت به تعریف‌های دیگر داشته باشد.

توجه در این نکته‌ها و بررسی انواع تعریف‌های خصایص النبى، نشان می‌دهد که کارآمدترین معنای اصطلاحی خصایص النبى عبارت است از: خصایص النبى در اصطلاح، صفات، ویژگی‌ها و امتیازاتی هستند که خداوند با آنها پیامبرش را از دیگران ممتاز فرموده و بر مردم و دیگر پیامبران و معصومان برتری، شرافت و فضیلت داده است. برخی از این خصایص مربوط به شخص پیامبر ﷺ و برخی دیگر مربوط به مقام پیامبری است.

انواع خصایص

خصایص به دو دسته خصایص تکوینی و تشریحی تقسیم می‌شوند. خصایص تکوینی: این خصایص صفت‌ها، ویژگی‌ها و امتیازاتی است که به اصل خلقت

پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مربوط است و مشتمل بر حکم شرعی تکلیفی یا وضعی نیست و اراده تکوینی خداوند بر آن تعلق گرفته که این خصایص در وجود پیامبر خاتم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ باشند تا موجب شرافت و فضیلت آن حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بر سایرین گردد. این صفتها و ویژگیها به خصوصیت‌های شخصی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و یا به عموم ولایت و نبوت ایشان مربوط است. خصایص تشریحی: خصایصی که در بردارنده حکم شرعی تکلیفی یا وضعی برای شخص پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ است و شخص دیگری از پیامبران یا مردم مشمول آن حکم نمی‌شود.

رویکرد فقیهان شیعه به خصایص

پیش از بررسی رویکرد فقیهان شیعه درباره خصایص النبوی، نگاهی به تقسیم‌بندی ادوار فقه شیعه ضروری است. در متون فقهی شیعه، دوره‌های فقه شیعه به دو دوره متقدمان و متأخران تقسیم می‌شود. در متون فقهی قرن‌های ششم و هفتم هجری، متقدمان، فقیهان معاصر ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَامُ و متأخران، فقیهان پس از دوران حضور می‌باشند.⁸ در متون فقهی قرن‌های بعد، مقصود از متقدمان، دانشمندان پیش از محقق حلی و مقصود از متأخران، فقیهان پس از ایشان هستند.⁹ گاهی نیز مقصود از متقدمان فقیهان امامیه، دانشمندان پیش از شهید اول و مقصود از متأخران، فقیهان پس از شهید اول می‌باشند.¹⁰

در متون فقهی قرن سیزدهم، اصطلاح دیگری با عنوان *متأخری المتأخرین* رایج شد که منظور از آن در آثار قدیم‌تر، فقیهان پس از شهید اول و در آثار متأخرتر فقیهان پس از صاحب مدارک هستند که گاه جنبه تعریض و تحقیر پیدا کرده و برای همین کمتر از آن استفاده شده است.¹¹

هم‌چنین، گاه اصطلاح متأخران، به معنای دانشمندانی که در زمان نزدیک به زمان

گفت‌وگو پدیدار شده‌اند، به کار می‌رود¹²، اما در حوزه‌های علمیه عصر حاضر، مقصود از متقدمان، عالمان پیش از صاحب شرایع و مقصود از متأخران، فقیهان پس از ایشان هستند.¹³ از صاحب شرایع به عنوان آخر المتقدمین و از علامه حلی به عنوان اول المتأخرین نام می‌برند.

در مجموع با بررسی منابع فقهی، مشخص می‌شود که این ترتیب چندان دقیق نیست و با گذشت زمان تعریف متقدمان و متأخران دست‌خوش تغییر شده است. در این پژوهش مقصود از متقدمان، فقیهان تا صاحب شرایع و مقصود از متأخران، فقیهان پس از صاحب شرایع است.

فقیهان متقدم شیعه

شیخ طوسی در مبسوط در کتاب النکاح، بابی را به خصایص النبی اختصاص می‌دهد و به شمارش و بیان خصایص آن حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می‌پردازد و به صورت مختصر درباره برخی از خصایص، روایت‌ها و دلایل آن‌ها شرح می‌دهد و در ادامه خصایصی را درباره ازدواج‌های پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بیان می‌کند.¹⁴

محقق حلی در کتاب النکاح شرایع بابی را به خصایص النبی اختصاص می‌دهد و پانزده خصیصه برای پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می‌شمارد. شش خصیصه در نکاح و نه خصیصه درباره خصایصی که غیر از ازدواج‌های پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می‌باشند. او بسیار مختصر به توضیح این خصایص می‌پردازد و در برخی موارد که در بر دارنده حکم شرعی است، دلایل حکم شرعی را بیان می‌کند.¹⁵

به جز آثاری که به آن اشاره شد، این موضوع در هیچ یک از کتاب‌های فقهی عالمان متقدم شیعه موجود نیست و کتاب‌های مهمی، مانند المقنع شیخ صدوق، حتی ما لا یحضر و المقنعه شیخ مفید و کتاب‌های سید مرتضی، المهدب ابن براج، غنیه ابن زهره، السرائر

ابن ادریس به این موضوع نمی‌پردازند.

با بررسی آثار این گروه مشخص می‌شود که فقیهان، بحث خصایص را در کتاب *النکاح* به مناسبت خصایص تشریحی مربوط به ازدواج‌های پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و متعلقات این بحث مطرح می‌کردند.

علامه حلی در تذکره در این باره می‌نویسد:

جرت عادة الفقهاء بذكر خصائص النبي هنا في النكاح ثم سحبوا البحث الى

خصائصه في غيره.¹⁶

ویژگی‌های رویکرد فقیهان متقدم شیعه

1. رویکرد غیر استقلالی؛ یعنی به صورت مستقل و تخصصی به موضوع پرداخته نمی‌شود و در موارد بسیاری به شمارش و توضیح مختصر یا بیان روایت‌ها و دلایل حکم شرعی در شرح خصایصی که شامل حکم شرعی بوده، اکتفا می‌شود.
2. رویکردی از باب بیان خصایص تشریحی و تنها از دیدگاه فقهی؛ یعنی به دلایل و آثار خصیصی که دارای حکم شرعی نیستند، اشاره‌ای نمی‌کنند.

فقیهان متأخر

با توجه به تفاوت در روش برخورد متأخران با موضوع خصایص النبوی، فقیهان متأخر را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد:

الف) فقیهان پیش از صاحب جواهر؛

ب) فقیهان پس از صاحب جواهر.

فقیهان پیش از صاحب جواهر

در میان فقیهان متأخر شیعه، علامه حلّی، نخستین کسی است که به پیروی از محقق حلّی این موضوع را با دسته‌بندی در مقدمه رابع کتاب النکاح *تذکرة الفقهاء* بیان می‌کند و با تعریف خصایص به تقسیم‌بندی و شمارش آن می‌پردازد. او در برخی موارد، روایت‌های مربوطه را مطرح می‌کند و برخی دلایل خصایص تشریحی را شرح می‌دهد. و دلیل طرح این موضوع را در کتاب النکاح، سیره و عادت فقیهان در بیان خصایص در کتاب النکاح و سپس کشاندن بحث به سایر خصایص در موضوع‌هایی غیر از نکاح می‌داند. در این کتاب بیش از هفتاد خصیصه برای پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از کتاب و سنت بیان می‌شود.¹⁷ هم‌چنین، علامه حلّی در کتاب تحریر در مقدمه کتاب النکاح¹⁸ و در کتاب قواعد تحت عنوان البحث السادس از کتاب النکاح، این موضوع را بسیار گذرا و مختصر بیان می‌کند.¹⁹

فقیهان پس از علامه حلّی و اشخاصی که بر کتاب‌های علامه و شرایع الاسلام محقق حلّی شرح نوشته‌اند در کتاب النکاح با عباراتی شبیه و یا عین عبارت‌های این دو فقیه موضوع را طرح کرده‌اند که به برخی از آنها اشاره می‌شود. فخر المحققین، نخستین کسی است که پس از پدرش و به پیروی از او، در کتاب النکاح ایضاً که شرحی بر کتاب قواعد است این موضوع را به صورت بسیار مختصر مطرح می‌کند.²⁰

هم‌چنین، صیمری در *غایة المرام* به پیروی از صاحب شرایع بسیار مختصر به بررسی موضوع، می‌پردازد. محقق کرکی نیز در *جامع المقاصد* که شرح قواعد علامه است با عبارتی شبیه عبارت‌های علامه به این موضوع توجه می‌کند و سپس به شرح خصایص النبی و مسائل فقهی خصایص می‌پردازد و دلایل و روایت‌های این باب را بیان می‌کند.²¹

هم چنین، شهید ثانی در *مسالك* با عبارتهایی نزدیک به همین عبارت‌ها، موضوع را بررسی می‌کند.²² و در کتاب *النکاح* بابی را با عنوان *فی اشیاء یتعلق بنکاح النبی و ازواجه* می‌آورد.²³ صاحب *کشف اللثام* نیز در کتاب *النکاح* بابی را به این موضوع اختصاص می‌دهد و می‌نویسد:

خص رسول الله بأشیاء فی النکاح و غیره و قد جرت العادة بذكرها فی هذا

الکتاب.²⁴

در میان متأخران، مرحوم بحرانی در کتاب *حدائق* بسیار کامل‌تر از دیگر فقیهان این موضوع را بررسی می‌کند. او ابتدا با عبارتی شبیه عبارت علامه، این موضوع را طرح می‌کند و سپس می‌نویسد:

به خصایص مربوط به نکاح مفصلاً و به خصایص دیگر مجماً می‌پردازیم.²⁵

هم چنین، صاحب *جواهر* به پیروی از صاحب *شرایع* در کتاب *النکاح* بابی را به این موضوع اختصاص می‌دهد و به جنبه‌های فقهی خصایص می‌پردازد و می‌نویسد:

و هی کثیرة مذکورة فی کتب الخاصة و العامة لکن عند المصنف کما ستسمع

ان اظهرها خمس عشرة خصلة. منها ما فی النکاح و هو الاكثر و لذا جرت العادة

بذكرها فیه و استطراد غیرها.²⁶

فقیهان متأخر پس از صاحب *جواهر*

فقیهان متأخر پس از صاحب *جواهر*، این موضوع را در کتاب‌های خود مطرح نکرده‌اند و حتی این موضوع را در کتاب‌های فقهی مستقل درباره نکاح نمی‌یابیم، ولی به تازگی سید محمد صادق صدر در کتاب *ماوراء الفقه* در کتاب *النکاح* یک فصل از کتاب خود را به این موضوع اختصاص داده است و در آن، خصایص را به خصایص فقهی و غیر فقهی تقسیم می‌کند و سپس به شرح و توضیح مختصر آنها می‌پردازد.

او عدم فایده عملی موضوع به سبب اختصاصی بودن آن را دلیل کسانی که این موضوع را طرح نمی‌کنند، می‌داند و در این باره می‌نویسد:

و قد حذف الفقهاء المتأخرون التعرض لذلك، باعتبار انه لا يعود الى عمل

المكلف و فائدته تنحصر بالفوائد النظرية و مجرد المعرفة و الاطلاع.²⁷

البته گمان می‌رود با توجه به سخنانی که از فقیهان متأخر بیان شد، منظور از متأخران، فقیهان نزدیک به دوره ایشان و معاصر ایشان باشد، زیرا در میان فقیهان متأخر از علامه تا صاحب جواهر، بسیاری از فقیهان این موضوع را مطرح کرده‌اند، ولی پس از صاحب جواهر این موضوع به دلایلی که بیان شد طرح نمی‌شود.

برخی از عالمان اهل سنت نیز این موضوع را مطرح نمی‌کنند و دلیل ایشان، همان دلیل فقیهان متأخر شیعه است، ابن کثیر در این باره می‌گوید:

و حکى الصيمرى عن ابي على بن خيران انه منع من الكلام فى خصائص

رسول الله... و وجهه ان ذلك قد انتضى فلا عمل يتعلق به.

هم چنین، امام الحرمین جوینی، افراد را از ورود در این موضوع منع می‌کند.²⁸

لزوم پرداختن به مسئله

نویسنده ماوراء الفقه در این رابطه می‌نویسد:

فان الفوائد النظرية تزيد اهمية و عمقاً على الفوائد العملية بل هى فى كثير

الاحيان اكثر ضرورية منها فما احسن ان يعرف الفرد المسلم الصفات التى كان

يتصف بها نبیه ﷺ.

این خصایص، تنها مخصوص پیامبر ﷺ است و کسی در آنها با ایشان شریک

نیست، ولی این مطلب هیچ‌گاه به این معنا نیست که با رحلت پیامبر ﷺ، خصایص فاقد

فایده و اثر علمی و عملی برای افراد باشند. هر یک از این خصایص و شناخت آنها دارای

آثاری هستند. ما مکلف به انجام تکالیف پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نیستیم، ولی باید آنها را به خوبی بشناسیم تا از آثار علمی و عملی آنها بهره‌مند شویم. هم چنین، در مقابل هجوم دشمنان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بتوانیم به بهترین شکل از ایشان دفاع نمائیم.

نووی از عالمان اهل سنت در رد کسانی که قائل به منع هستند، می‌نویسد:

و قال سائر اصحابنا: لا بأس به (پرداختن به این مسئله) و هو الصحيح لما فيه

من زیادة العلم فهذا كلام الاصحاب و الصواب الجزم بجواز ذلك بل استجابة بل

لو قيل بوجوبه لم يكن بعيداً.²⁹

به هر حال، هنگامی که خداوند پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را اسوه معرفی می‌نماید، نمی‌توان آن حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را فقط در برخی مسائل اسوه و الگو دانست و در برخی دیگر او را الگو و اسوه ندانست. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در تمامی خصایص الگو و اسوه است. ایشان در برخی از خصایص در عمل و در برخی دیگر در آثار و نتیجه‌ای که از عملشان به دست می‌آید، الگو و اسوه هستند.

ویژگی رویکرد فقیهان متأخر شیعه

از رویکرد فقیهان متأخر مشخص می‌شود که توجه به این موضوع در میان ایشان، به سه شکل مشاهده می‌شود:

1. نگاه غیرمستقل و در ضمن بیان مسائل نکاح، که بحثی تخصصی و مستقل نیست.
2. نگاه به موضوع صرفاً جنبه فقهی دارد.
3. عدم ورود به بحث، این امر در میان فقیهان پس از صاحب جواهر به سبب خاص بودن ویژگی‌های پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و این که به فایده‌ای عملی برای موضوع باور نداشتند، رایج است.

رویکرد فقیهان اهل تسنن

فقیهان اهل تسنن همانند فقیهان شیعه این بحث را در کتاب *النکاح* بیان می‌کنند. با این تفاوت که در کتب فقهی اهل سنت شروع کتاب *النکاح* با این موضوع است. ابن کثیر در این باره می‌نویسد:

قد اکثر اصحابنا و غیرهم من ذکر هذا الفصل فی اوائل کتب النکاح من مصنفاتهم تاسیاً بالامام ابی عبدالله - شافعی - صاحب المذهب.³⁰

بر اساس این سخن، شافعی نخستین فردی است که این موضوع را در کتاب *النکاح* بیان می‌کند و دیگر فقیهان به پیروی از او به بررسی این موضوع در کتاب *النکاح* می‌پردازند. پس از شافعی، شاگرد او مزنی، کتاب *النکاح* را با این موضوع شروع می‌کند.³¹ نویسنده کتاب *من معین الخصایص النبویة* در این باره می‌نویسد:

تحدثت کتب الفقه الکبيرة عن الخصائص و افردت لها فصلاً عند حدیثها عن کتاب النکاح و سبب ذلك ان عدداً لا بأس به من الخصائص يرجع الی مسائل النکاح.³²

ابوبکر بیهقی (458) از فقیهان اهل سنت، باب مستقلی را در کتاب خود در کتاب *النکاح* به این موضوع اختصاص می‌دهد.³³ هم چنین، خلیل بن اسحاق مالکی و نووی در کتاب خود فصلی را در اول کتاب *النکاح* به این موضوع اختصاص می‌دهند.³⁴ برخی از کتاب‌های فقهی - حدیثی اهل تسنن به مناسبت شرح مسائل شرعی، به اختصاصی بودن برخی از احکام اشاره می‌کنند³⁵ و در مجموع بسیاری از فقیهان متقدم و متأخر اهل سنت این موضوع را بررسی کرده‌اند.

ویژگی‌های رویکرد فقیهان اهل تسنن

با بررسی آرای فقیهان اهل سنت و دلایل ایشان که تا حدودی شبیه دلایل فقیهان

- شیعه است، سه ویژگی برای رویکرد ایشان به موضوع مشخص می‌شود که عبارتند از:
1. توجه به موضوع غیر استقلالی و غیر اختصاصی است و به مناسبت مسائل مربوط به ازدواج‌های پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ این موضوع در ابتدای کتاب النکاح می‌آید. در این رویکرد بیشتر به جنبه‌های فقهی مربوط به ازدواج‌های پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ توجه می‌کنند و سایر خصایص به همراه آن بیان می‌شود.
 2. نگاه به موضوع، نگاهی فقهی است و جنبه‌های فقهی موضوع بررسی می‌شود.
 3. برخی از فقیهان اهل تسنن با توجه به دلیلی که در آرای فقیهان پس از صاحب جواهر بیان شد وارد این بحث نمی‌شوند و به موضوع نمی‌پردازند.

رویکرد مفسران شیعه و اهل سنت به موضوع خصایص

در میان تفاسیر مفسران متقدم و متأخر شیعه، مانند تبیان شیخ طوسی، مجمع البیان طبرسی، المیزان علامه طباطبایی، موضوع خصایص به شکل اختصاصی و حتی مانند کتاب‌های فقهی بررسی نمی‌شود و به مناسبت تفسیر هر آیه، اگر آیه درباره خصایص باشد به موضوع اشاره می‌شود و در برخی موارد احکام شرعی این موضوع بسیار مختصر تشریح می‌شود.

علامه طباطبایی در این باره می‌نویسد:

و فی الایة ابحاث فقهیه اوردها المفسرون و الحقّ ان ما تتضمنه من الاحکام

الشخصیه خاصه بالنبی و لا دلیل من جهة لفظها علی شموله لغيره و تفصیل القوم

فی الفقه. ³⁶

او متذکر می‌شود که مفسران به ابعاد فقهی موضوع نیز پرداخته‌اند، با این که این موضوع مربوط به احکام شخصی و مخصوص پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است و باید در فقه به صورت تفصیلی درباره آن بحث شود. بنابراین به موضوع خصایص به شکل دسته‌بندی شده توجه

نمی‌شود و به تناسب موضوع آیه‌ها به خصایص اشاره می‌کنند. مفسران متقدم و متأخر اهل سنت، مشابه روش مفسران شیعه عمل می‌کنند. در تفاسیر اهل سنت، مانند تفسیر ابن کثیر، تفسیر قرطبی، روح المعانی آلوسی، مفاتیح الغیب رازی، کشاف زمخشری، در المنثور سیوطی، درباره موضوع به صورت خاص و جامع بحث نمی‌شود و به صورت آیه به آیه تفسیر می‌گردد. و در برخی موارد به احکام شرعی مطرح در موضوع اشاره می‌کنند.

ویژگی‌های رویکرد مفسران شیعه و اهل سنت

با بررسی تفاسیر متقدم و متأخر شیعه و اهل سنت نتیجه می‌گیریم که دیدگاه این مفسران دارای ویژگی‌های زیر می‌باشد:

1. نگاه غیر مستقل و غیر تخصصی؛ به این معنا که به موضوع به صورت خاص توجه نمی‌شود و به مناسبت مسائل دیگر بررسی می‌شود.
2. نگاه به موضوع، نگاه آیه‌ای و غیر جمع‌بندی شده است.
3. رویکرد تفسیری و در برخی موارد فقهی است و به جوانب بحث، مانند آثار آن توجه نمی‌شود.

رویکرد مورخان و سیره‌نویسان شیعه و سنی

تاریخ اسلام و زندگی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم، سرگذشت آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم را از تولد تا وفات با حفظ ترتیب زمان در بر می‌گیرد. سیره‌نویسی، بیان وقایع و حوادث مهم و شرح حال نویسی، فارغ از حفظ ترتیب زمانی و زمان وقوع رخداد است و هدف آن، بیان سلوک، شیوه و روش برخورد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با وقایع و حوادث می‌باشد.

تاریخ و سیره نویسی به بخش‌های گوناگون تقسیم می‌شوند و هر کدام به شکلی خاص، بخش و موضوعی از زندگانی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را بررسی می‌کنند که در حد

اختصار به آنها اشاره می‌کنیم.

1. مغازی

مغازی جنگ‌های پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ است. در کتاب‌های مغازی به وقایع و حوادث پس از هجرت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ از مکه به مدینه و به خصوص جنگ‌های آن حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می‌پردازند. از مشهورترین کتاب‌های این گروه می‌توان به مغازی ابن اسحاق و مغازی واقدی اشاره کرد.

2. السیر

این گروه از کتاب‌ها با کتاب‌های مغازی در بیان غزوات النبی مشترک است، ولی در آن‌ها به احکام فقهی جنگ‌ها، مانند دعوت دشمنان به اسلام قبل از شروع جنگ، کیفیت توزیع غنائم، احکام جزیه، احکام ذمه و امان توجه ویژه می‌شود. کتاب مشهور این گروه، *السیر اوزاعی و السیر الکبیر و السیر الصغیر* محمد بن حسن شیبانی است.

3. دلائل النبوة

در این نوع آثار هر آن چه که نبوت پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را اثبات می‌کند، مانند حوادث، اخبار و معجزه گردآوری می‌شود. کتاب‌هایی مانند *دلائل النبوة* ابی نعیم اصفهانی و *دلائل النبوة* بیهقی از آثار مهم این گروه هستند.

4. حقوق النبی

در این نوع نوشته‌ها بیشتر به حقوق پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می‌پردازند و در آن‌ها ویژگی‌های پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را با توجه به این نکته بررسی می‌کنند که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ چه حقوقی بر عهده

دیگران دارد. کتاب مهم این گروه *الشفاف فی تعریف حقوق المصطفی*، نوشته قاضی عیاض است.

5. الشمائل و الاخلاق

در این دسته از کتاب‌ها بیشتر به اخلاق پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، توصیف شمائل و جسم مبارک ایشان، آن چه استفاده می‌کردند و شیوه حرکت و سکون ایشان توجه می‌شود. کتب‌های مهم این باب، *الشمائل ترمذی و الانوار فی شمائل النبی المختار بغوی و اخلاق النبی ابی شیخ اصبهانی* است.

6. السیرة النبویة

این گروه از نوشته‌ها، شامل زندگانی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ از ولادت تا وفات است و به حوادث مشهور و مهم آن دوران و شیوه برخورد پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ با این حوادث می‌پردازد. از کتاب‌های مشهور این گروه می‌توان به *السیرة النبویة ابن هشام* اشاره کرد.

7. خصائص النبی

این کتاب‌ها به صورت مستقل به موضوع خصایص النبی؛ یعنی ویژگی‌ها، اوصاف و امتیازات ویژه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نسبت به دیگر پیامبران و سایر انسان‌ها می‌پردازند. از کتاب‌های مهم این گروه می‌توان از *نهاية السؤل فی خصائص الرسول ابن دحیه کلبی و اللفظ المکرم بخصائص النبی المعظم خیضری* نام برد.

موضوع تمامی این کتاب‌ها شخصیت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ است ولی هر کدام از دیدگاه و زاویه‌ای به زندگی، خصوصیت‌ها، ویژگی‌ها، شیوه‌های رفتاری و برخوردی آن حضرت

توجه می کنند.

خصایص النبی در منابع تاریخ و سیره

برای بررسی موضوع خصایص النبی در منابع تاریخ و سیره می توان به کتابهای زیر مراجعه کرد.

1. تاریخ

در برخی کتابهای تاریخی که به صورت کلی و عام زندگی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را بر اساس سال شمار بررسی می کنند، فصلی به خصایص النبی اختصاص داده می شود. در میان این دسته از کتابها، *انساب الاشراف بلاذری* بابی را با عنوان *القول فی بعض خصائص النبی* آورده است³⁷ و *مقریزی در امتاع الاسماع* به صورت مفصل به این موضوع پرداخته است.³⁸ هم چنین، ذهبی در *تاریخ الاسلام* بابی را به این موضوع اختصاص داده است.³⁹ برخی از مورخان شیعه، مثل یعقوبی در *تاریخ یعقوبی* و طبرسی در *اعلام السوری* و از متأخران محمد هادی یوسفی غروی در *موسوعة التاریخ الاسلامی* و مورخان اهل سنت مثل مسعودی در *مروج الذهب* این موضوع را مطرح نکرده اند.

2. سیره نبوی

در برخی از کتابهایی که با عنوان سیره نوشته شده است به موضوع خصایص النبی توجه می شود. به عنوان نمونه، قسطلانی در *المواهب اللدنیة* بابی را به این موضوع اختصاص می دهد.⁴⁰ هم چنین، نویسنده کتاب *سبل الهدی و الرشاد فی سیره خیر العباد* در بابی با عنوان *جماع ابواب خصائصه* صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ به این موضوع می پردازد.⁴¹

برخی از سیره نویسان، مانند ابن هشام به موضوع خصایص، هیچ اشاره‌ای نمی‌کنند و سیره‌نویسان شیعه، مانند نویسندگان کتاب *الصحيح من سيرة النبي الاعظم* به شکل دسته‌بندی شده به این موضوع نمی‌پردازند و فقط در بحث ازدواج زینب بنت جحش به اختصاصی بودن این حکم و برخی شبهات پیرامون آن اشاره می‌کنند.⁴²

3. دلائل النبوة

در کتاب‌هایی که با عنوان دلائل النبوة نوشته شده‌اند یا به این موضوع توجه کرده‌اند، فصلی را به خصایص النبی اختصاص می‌دهند. بیهقی در *دلائل النبوة* که از کتاب‌های مشهور در این زمینه است، فصلی را با عنوان *خصائص النبی* نوشته است.⁴³ هم چنین، سیوطی در *تهذیب الخصائص النبویة* که جمع بین دلائل النبوة و خصایص النبی است، بابی را به این موضوع اختصاص می‌دهد.⁴⁴

4. خصائص النبی

کتاب‌هایی به شکل تخصصی و مستقل درباره موضوع خصایص النبی نوشته شده‌اند. این دسته از کتاب‌ها، خصایص را از قرآن، حدیث و تاریخ جمع‌آوری کرده‌اند و مهم‌ترین آنها *غایة السؤل فی خصائص الرسول* ابن ملقن، *نهایة السؤل فی خصائص الرسول* ابن دحیه کلبی و *اللفظ المکرم بخصایص النبی المعظم* خیضری شافعی است که همه این کتاب‌ها به دست علمای اهل سنت گردآوری شده‌اند. در میان آثار عالمان متقدم شیعه، کتاب مستقلی در این زمینه موجود نیست، ولی در میان آثار معاصران کتابی مختصر به نام *خصائص النبی* نوشته افتخاری گلپایگانی به چاپ رسیده است.

ویژگی‌های رویکرد مورخان و سیره نویسان شیعه

1. بیان گذرا و در میان دیگر مسائل و وقایع تاریخی؛
2. عدم بیان و پرداختن به موضوع خصایص النبی.

ویژگی‌های رویکرد مورخان و سیره نویسان اهل سنت

1. بیان عمومی تاریخ و ذکر خصایص در میان وقایع تاریخی؛
2. بررسی خصایص در میان موضوع‌های دیگر، مثل دلائل النبوة، شماتل النبی، سنن النبی، اخلاق النبی؛
3. نگاه استقلالی و تخصصی به موضوع و تألیف کتاب‌های مستقل.

نتیجه‌گیری

خصایص النبی یکی از موضوع‌های مهم پیرامون شخصیت پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ است، ولی بیشتر عالمان شیعه، فقط به مسائل شرعی پیرامون آن حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ توجه می‌کنند و دیگر مسائل بدون پاسخ مانده است. این مسئله سبب وارد شدن شبهات و اتهام‌هایی بر پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ شده است. این موضوع به شکلی پراکنده در منابع شیعه بررسی می‌شود، و کتاب مدونی درباره خصایص النبی که تمام ابعاد مسئله را بررسی کند، وجود ندارد. بر اساس آن چه که در تبیین آرای فقیهان متأخر پس از صاحب جواهر بیان شد، این موضوع از کتاب‌های فقهی نیز حذف شده است، اما عالمان اهل سنت کتاب‌های مستقل و تخصصی فراوانی درباره این موضوع نوشته‌اند که لازم است این کتاب‌ها با دقت بررسی شوند.

بررسی خصایص النبی گذشته از فایده‌های علمی آن که شناخت دقیق زوایای وجودی پیامبر خاتم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ است و راهنمایی برای مسلمانان در مسیر دفاع از ساحت قدسی پیامبر در برابر شبهات، دارای آثار عملی هم است که با بررسی دقیق، آثار و حکمت‌های آن

تبیین و روشن می‌شود. بنابراین در ضرورت بررسی خصایص النبی هیچ تردیدی نیست و روشن شدن ابعاد مختلف این موضوع برای مسلمانان بسیار حائز اهمیت است.

پی نوشت ها

1. بقره (2) آیه 286.
2. محمد بن منظور، *لسان العرب*، بیروت: دارالصادر، 1414 ق، ج 4، ص 109.
3. محمد فیروز آبادی، *القاموس المحيط*، بیروت: دارالکتب العلمیه، 1420 ق، ص 796.
4. حسین راغب اصفهانی، *مفردات*، بیروت: دارالعلم، 1412 ق، باب الخاء، خصص.
5. احزاب (33) آیه 50.
6. احمد الشامی صالح، *من معین الخائص النبویة*، بیروت: مکتب الاسلامی، 1421 ق، ص 11.
7. ابراهیم مصطفی و دیگران، *المعجم الوسیط*، قاهره: مجمع اللغة العربیة، بی تا، ج 1، ص 238.
8. محقق نجم الدین حلی، *المعتبر*، قم: مؤسسه سید الشهداء، 1407 ق، ج 1، ص 33.
9. جواد حسینی عاملی، *مفتاح الکرامه*، قم: جامعه مدرسین، 1419 ق، ج 1، ص 86؛ محمد تقی جعفری، *رسائل فقهی*، بی تا: منشورات کرامت، 1419 ق، ص 25؛ رسول جعفریان، *دوازده رساله فقهی درباره نماز جمعه*، قم: بی تا، بی نا، ص 383.
10. علی اکبر محمودی دشتی، *ادله اثبات دعوی*، قم: مجمع الفکر السلامی، 1373، ص 56.
11. مرتضی انصاری، *کتاب النکاح*، قم: کنگره بزرگداشت شیخ انصاری، 1415 ق، ص 40.
12. ابن ادیس حلی، *سرائر*، قم: مدرسین، 1410 ق، ص 265؛ امام خمینی، *ولایت ققیه*، قم: مؤسسه نشر آثار، بی تا، ص 76؛ محمد بن محمد دارابی، *مقامات السالکین*، قم: نشر

- مرصاد، 1418 ق، ج 2، ص 14.
13. محمد صادق صدر، *ماوراء الفقه*، قم: دارالاضواء للطباعة و النشر و التوزيع، بي تا، ج 6، ص 47.
14. ابو جعفر طوسي، *المبسوط في فقه الاماميه*، بي جا: المكتبة المرتضويه، 1378 ق، ج 4، ص 152.
15. محقق نجم الدين حلي، *شرايع الاسلام*، قم: مؤسسه اسماعيليان، 1408 ق، ج 2، ص 215.
16. حسن حلي، *تذكرة الفقهاء*، چاپ قديم، قم: آل بيت، بي تا، جزء 2، ص 565.
17. همان.
18. همو، *تحرير الاحكام الشرعيه*، بي جا: بي نا، بي تا، ج 2، ص 2.
19. همو، *قواعد الاحكام*، قم: جامعه مدرسين، 1413 ق، ج 3، ص 7.
20. فخرالمحققين محمدحلي، *ايضاح الفوائد*، قم: مؤسسه اسماعيليان، 1387 ق، ج 3، ص 11.
21. علي بن حسين كركي، *جامع المقاصد*، قم: آل البيت، 1414 ق، ج 12، ص 53.
22. زين الدين بن علي عاملي (شهيد ثاني)، *مسالك الافهام الى تنقيح شرائع الاسلام*، قم: المعارف الاسلاميه، 1413 ق، ج 7، ص 69.
23. جواد كاظمي، *مسالك الافهام*، تهران: كتابفروشي مرتضوي، 1365، ج 3، ص 324.
24. محمد فاضل هندی، *كشف اللثام*، قم: جامعه مدرسين، 1416 ق، ج 7، ص 33.
25. يوسف بحراني، *حدائق الناضرة*، قم: جامعه مدرسين، 1414 ق، ج 23، ص 94.
26. محمدحسن نجفي، *جواهر الكلام*، بيروت: دارالاحياء التراث العربي، بي تا، ج 29، ص 119.
27. محمد صادق صدر، *پيشين*.
28. ابن كثير دمشقي، *الفصول في سيرة الرسول*، رياض: مدارالوطن للنشر، 1424 ق، ص

- 156.
- 29 يحيى بن شرف نووى، *روضه الطالبين*، بيروت: دارالكتب العلميه، بى تا، ج 7، ص 18-17.
30. ابن كثير، *پيشين*.
- 31 اسماعيل قرنى، *مختصر*، بى جا: دارالمعرفة للطباعة و النشر، بى تا، ص 162.
- 32 احمد الشامى صالح، *پيشين*، ص 13.
- 33 ابوبكر بيهقى، *السنن الكبرى*، بيروت: دارالفكر، بى تا، ج 7، ص 36.
- 34 خليل ابن اسحاق الجندى، *مختصر*، بيروت: دارالكتب العلميه، 1416 ق، ص 95؛ يحيى بن شرف نووى، *پيشين*، ج 7، ص 1.
- 35 ابن حجر عسقلانى، *فتح البارى*، رياض: مطبعه السلفيه، بى تا، ج 3، ص 431، ج 4، ص 95؛ ابى الفرج ابن رجب الحنبلى، *فتح البارى*، مدينه: مكتبه الغرباء الاثريه، 1417 ق، ج 1، ص 43؛ يحيى بن شرف نووى، *شرح صحيح مسلم*، بيروت: دارالكتب العربى، 1407 ق، ج 2، ص 95، ج 3، ص 193 - 247.
- 36 محمد حسن طباطبايى، *تفسير الميزان*، قم: جامعه مدرسين، 1374، ج 16، ص 37.
- 37 احمد بن يحيى بلاذرى، *انساب الاشراف*، بيروت: دارالفكر، 1417 ق، ج 1، ص 507.
- 38 تقى الدين احمد مقريزى، *امتاع الاسماع*، بيروت: دارالكتب العلميه، 1420 ق، ج 10، ص 13.
- 39 محمد بن احمد ذهبى، *تاريخ الاسلام*، بيروت: دارالكتب العربى، 1413 ق، ج 1، ص 536.
- 40 احمد بن محمد قسطنطى، *المواهب اللدينه*، قاهره: المكتبه التوفيقيه، بى تا، ج 2، ص 301.
- 41 محمد بن يوسف صالحى، *سبل الهدى و الرشاد*، بيروت: دارالكتب العلميه، 1414 ق،

ج 10، ص 274.

42. جعفر مرتضى عاملى، *الصحیح من سيرة النبى الاعظم*، قم: دارالهادى، 1415 ق، ج 14،

ص 41.

43. ابوبكر بيهقى، *دلائل النبوة*، بيروت، دارالكتب العلميه، 1405 ق، ج 5، ص 470.

44. جلال الدين سيوطى، *تهذيب الخصایص النبويه*، بيروت: دارالبشائر الاسلاميه، 1414

ق، ص 351.